گزارش

بایدن و گزینه های تعامل با ایران

ژانویه 2021

RASANAH
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies

المحتویـــات

نخست: موضع طرفهای دخیل در پرونده ایران..... 4

دوم: سناریوهای احتمالی که پیش روی بایدن قرار دارد..... 7

سوم: کابینه بایدن کدام گزینه را در پیش خواهد گرفت؟ 10

با انتخاب بایدن به عنوان رئیس جمهور امریکا، روابط امریکا و ایران تغییرات و تحولات زیاد و سریعی را تجربه نمود. آخرین اظهار نظر در این باره را علی خامنه ای رهبر ایران در شانزدهم دسامبر 2020 میلادی داشت که گفت: "البته نمی‌گوییم دنبال رفع تحریم نباشیم، چرا که اگر بتوان تحریم را رفع کرد، حتی یک ساعت هم نباید تأخیر کنیم". در این موضعگیری یک نوع نرمش محافظه کارانه در قبال مذاکرات دیده می شود. و این از نظر خامنه ای یک اصل است که بارها از آن به "نرمش قهرمانامه" تعبیر کرده است. یعنی بدون اینکه دشمن و خصومت وی را از یاد ببریم، سعی کنیم با او به تفاهم برسیم. خامنه ای با این موضعگیری محافظه کارانه در مورد مذاکرات، بدون اینکه شرطی بگذارد، به دولت چراغ سبز نشان داد که در مورد مسائل مورد نظر چاره سازی کند.

از سوی دیگر، الیوت آبرامز نماینده ویژه امریکا در امور ایران و ونزوئلا، در 14 دسامبر سال 2020 میلادی گفت که او و دیگر مقامات در کابینه ترامپ گفتگوهایی را در مورد ایران و توافق هسته ای با تیم بایدن آغاز کرده اند و تلاش دارند تیم بایدن را قانع سازند که شرایط تغییر کرده است و شرایطی که در توافقنامه هسته ای 2015 میلادی با ایران مناسب بود، در وضعیت فعلی جواب نمی دهد. آبرامز همچنین افزود نمی شود از تمامی اقداماتی که در زمان ترامپ علیه ایران صورت گرفته – مانند تحریمهای مرتبط با نقض حقوق بشر و یا مبارزه با تروریسم – صرف نظر کرد. پیش از این نیز سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان به یک توافق هسته ای که مسائل اضافه تری همچون برنامه موشک های بالستیک و دخالت های منطقه ای ایران

را در بر بگیرد، تمایل نشـان داده بودند و همزمان با آن، شـورای همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس اعلام کردند که هرگونه توافق هسـته ای با ایران، باید منافع کشـورهای منطقه را نیز در نظر بگیرد. بی تردید پیروزی بایدن در این اهتمام جهانی به پرونده ایران نقش به سزایی داشته اسـت که طرفهای ذی ربط سـعی دارند با در نظر داشـت موضعگیریهای بایدن و تیم انتقالی اش دیدگاهها و خواسـتهای خود را مطرح کنند؛ آنهم در زمانی که دو طرف اصلی بحران برای ورود به دور تازه مذاکرات آماده می شوند و هر طرف در تلاش است تا با افزایش قدرت چانه زنی، زمینه را برای کسـب بیشـترین دسـتاورد ممکن فراهـم کند. در پرتو ایـن موضعگیریها و دیدگاههای متضاد هر دو طرف، چندین سـؤال اساسی مطرح می شود از جمله اینکه: کابینه بایـدن در تعامل بـا پرونده ایران چـه گزینه هایی را روی دسـت خواهد گرفت و فرصت ها و چالشهای هر گزینه احتمالی کدامند و کدام گزینه ممکن است واقع بینانه تر باشد؟

ایـن گزارش آینده نگر، تلاش دارد تا مهمترین گزینه هایی که ممکن اسـت بایدن در رابطه با ایران پیش رو داشته باشد، را با در نظر داشت عوامل جانبی مربوط به این پرونده، مورد بررسی قرار دهد که عبارتند از:

نخست: موضع طرفهای دخیل در پرونده ایران

الف_ موضع بایدن

بایدن وعده داده اسـت که برای تعامل با ایران روش مناسـب تری را در پیش خواهد گرفت تا مانع از دسترسـی ایران به سلاح هسته ای شود و با فعال کردن راههای دیپلماتیک با مشارکت هم پیمانان خود توافقنامه هسـته ای را تعدیل خواهد کرد به گونه ای که چندین مسأله دیگر از جمله پرونده موشـک های بالستیک و مسائل حقوق بشـر را در بر بگیرد و همچنین در مورد دخالتهـای ایران که ثبات منطقـه را بر هم زده و موجب نگرانی هم پیمانان ایالات متحده می شـوند را چاره سـازی کند. او همچنین متعهد شـده اسـت که اگر ایران به خودسری های خود ادامه دهد، وی از منافع ایالات متحده دفاع نماید. بایدن برای بازگشت به برجام چندین شرط گذاشـته اسـت از جمله: ایران از گامهایی که در راسـتای افزایش میزان غنی سـازی اورانیوم برداشته است، صرف نظر کند، برد موشک هایش را افزایش ندهد و به حضور مداخله جویانه اش در منطقه پایان دهد. او گفته اسـت: "اگر ایران این شـرایط را قبول کند، ما هم تحریمها را بـر می داریم"، بـا این همه، موضعگیریهای مشـاوران بایدن از جمله آنتونـی بلینکن و جیک سالیوان نشان از این واقعیت دارد که سیاست های بایدن با سیاست های ترامپ تفاوت زیادی نخواهد داشت و بایدن از سیاست های وی استفاده خواهد کرد.

ب_ موضع ایران:

بـا توجه به ماهیت رژیم ایران که حکومت چند لایه دارد، نمی توان از یک موضع واحد در مورد مذاکرات سخن گفت. بلکه چندین موضع متفاوت و در عین حال ناپایدار در این رابطه وجود

دارد. مخصوصا اینکه جناحهای رقیب هر کدام تلاش دارند از مسأله مذاکرات هسته ای به عنوان کارت برنده در انتخابات ریاست جمهوری ژوئن 2021 میلادی استفاده کنند.

حسن روحانی رئیس جمهور که بعد از خروج ایالات متحده از برجام، اتهامات زیادی متوجه وی شده و هجمه های زیادی به شخصیت وی صورت گرفته و از میزان محبوبیت وی و جناح سیاسی اش در میان مردم به شدت کاشته شده است و مسئولیت نابسامانی اوضاع اقتصادی کنونی هم متوجه او هست، امید دارد که مذاکرات هسته ای با سرعت انجام شود و قبل از اینکه عمر دولت وی به سر برسد، مسأله مذاکرات هسته ای به ثمر برسد تا از این رهگذر برای بحرانی را که دولتش با آن دست به گریبان است چاره سازی نموده و شانس جریان سیاسی خود را در انتخابات پیش رو افزایش دهد. لذا روحانی جریان های داخلی را متهم می کند که در شرایطی که کشور با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می کند، جریانهایی در داخل کشور تلاش دارند پایان تحریمها را به تأخیر انداخته وضعیت موجود را برای مدت بیشتری ادامه دهند.

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران اما به حکم اینکه از موضع دیپلماتیک صحبت می کند، با بیان شرطهایی سطح توقعات خود را بالا می برد. برداشتن تحریمها، فراگیر بودن مذاکرات، پرداخت غرامت به ایران از جانب امریکا و عدم طرح مسأله موشک های ایران در مذاکرات، از جمله شروطی است که ظریف برای انجام دوباره مذاکرات هسته ای عنوان کرده است که این طرح به دلیل غیر واقعی بودن انتقادات زیادی را در داخل ایران به دنبال داشته است.

میان موضع نرم روحانی و موضع تند ظریف، صحبت های اخیر رهبری نشان دهنده سیطره و نقش قیم مآبانه او بر رژیم است، ویک موضع میانه ای را منعکس می کند که در آن هم ضرورت پاسداری از رژیم و هم پای بندی به اصول عقیدتی رژیم در نظر گرفته شده است. لذا، وی در ابراز چنین موضعی ضمن طرح شعار غرور ملی از عبارت های مبهم همچون نرمش قهرمانانه نیز استفاده می کند که این نوع گفتمان از اول انقلاب رواج داشته است. اینگونه اظهارات رهبری به عنوان چراغ سبزی در مورد مذاکرات احتمالی به روحانی یا رئیس جمهور بعد از وی به حساب می آید.

ج_ موضع کشورهای اروپایی

تروئیکای اروپایی گفتگوهای فشرده ای را درباره پرونده هسته ای ایران آغاز کرده اند. سه کشور فرانسه، بریتانیا و آلمان در تاریخ 7 دسامبر 2020 میلادی طرحی که مجلس ایران درباره افزایش فعالیت هسته ای تصویب کرد را بسیار نگران کننده خوانده اند. پیش از این نیز اظهارات مهم و قابل توجهی در این باره صورت گرفته بود. در تاریخ 5 دسامبر 2020 میلادی هایکو ماس وزیر امور خارجه آلمان در مصاحبه ای با هفته نامه « دیر اشپیگل » به موضع مشترک کشورهای آلمان، بریتانیا و فرانسه در قبال پرونده هسته ای ایران اشاره ای داشت با این مضمون که مصلحت اروپا ایجاب می کند که تنها بازگشت به توافق هسته ای کنونی

(برجام) کفایت نمی کند بلکه یک توافق هسته ای جدید لازم است که حوزه های اضافه تری را پوشش دهد. او گفت موارد اضافی همان برنامه موشک های بالستیک و نقش منطقه ای ایران را شامل می شود. اینگونه تصریحات از آنجا که با رهیافت احتمالی رفتار جامعه بین الملل و کشورهای منطقه با پرونده ایران ارتباط تنگاتنگی دارد، درخور اهمیت است. از این رو، طرفهای اروپایی با در نظر داشت تحولات اخیر سیاست تازه ای در پیش گرفته اند. پایان یافتن دوره ترامپ و به قدرت رسیدن رئیس جمهوری که به ترمیم رابطه با اروپا علاقه مند است و تلاش می کند تا برای بازگرداندن هیمنه غرب بر جهان، روابط بین کشورها را هماهنگ نماید، از جمله تحولاتی است که از زمان امضای برجام تا کنون به وقوع پیوسته و فضا را برای اتخاذ سیاست های تازه و مناسب فراهم کرده است. علاوه بر آن، در اثر تحریمهایی که ترامپ علیه ایران اعمال کرد، هم اکنون ایران شرایط بسیار سختی را تجربه می کند. و تحریمها مخصوصا تحریمهای نفتی و پولی سیستم اقتصادی ایران را فلج کرده و پایگاه مردمی رژیم جمهوری اسلامی را نیز متزلزل کرده است. طرفهای اروپایی به این واقعیت پی برده اند که برجام در ذات خود نقص دارد. زیرا در سایه برجام، برنامه هسته ای ایران همچنان به عنوان یک تهدید و مانع از تحقق اراده جهان برای منع گسترش سلاح های هسته ای است. علاوه بر اینکه این نظر که برقراری رابطه با ایران منجر به تغییر رفتار این کشور شده و به دشمنی ایدئولوژیک آن با غرب پایان می دهد، نیز با شکست مواجه شد.

د_ موضع کشورهای خلیج

خواست کشورهای خلیج این است که هر گونه مذاکره ای که با ایران در مورد برنامه هسته ای این کشور صورت می گیرد، مسائلی چون دخالت های منطقه ای این کشور و حمایت از نابسامانی و تروریسم در منطقه و همچنین تعامل کشورهای جهان با پرونده موشک های بالستیک ایران را نیز به طور جدی مورد بحث قرار دهد. در این مسأله کشورهای خلیج با کشورهای اروپایی موضع ی مشترک دارند و هر دو طرف در تلاشند تا ایالات متحده را قانع کنند که بدون چاره سازی برای این دو مسأله مهم و اساسی در مورد پرونده هسته ای ایران توافقی صورت نگیرد و همچون گذشته تصمیم گیری در مورد این دو مسأله به بعد موکول نگردد.

هـ_ موضع روسیه و چین

روسیه و چین از طریق کمیسیون مشترک برجام، از روند مذاکرات هسته ای حمایت می کنند و نمی خواهند که هیچگونه مذاکرات یک جانبه ای میان امریکا و ایران صورت گیرد. این دو کشور به موضع ایران در مورد عدام ارتباط توافقنامه هسته ای با مسائل مورد اختلاف دیگر نزدیکتر هستند. و در دور فشارهای حداکثری که ترامپ علیه تهران به اجرا گذاشت، این دو کشور از لحاظ دیپلماسی و حتی از لحاظ اقتصادی ایران را مورد حمایت قرار دادند.

دوم: سناریوهای احتمالی که پیش روی بایدن قرار دارد

با منتفی دانستن سناریوی " بازگشت در مقابل بازگشت " یعنی بازگشت ایالات متحده به برجام و بازگشت ایران به تعهدات هسته ای، تنها دو سناریو باقی می ماند که احتمالا کابینه بایدن به یکی از این دو سناریو روی خواهد آورد که عبارتند از:

الف_ تلاش برای رسیدن به یک توافق تازه و همه جانبه از طریق دنبال کردن ارث ترامپ:

این گزینه بدان معناست که کابینه بایدن بر این باور است که چاره سازی تهدیدها و خطرهایی که ایران باعث آنهاست، تنها از یک راه قابل حل است و آن اعمال فشارها و تحریمهای بیشتر و ادامه راه ترامپ در مورد ایران است تا زمینه یک توافق همه جانبه با ایران فراهم شود که توسط آن جلوی تمام خطرهای ایران گرفته شود. و این یعنی راه ترامپ را باید ادامه داد تا زمینه دستیابی به یک توافق جدید فراهم شود. روی دست گرفتن این گزینه به معنای شکست باور پیشین دموکراتهاست که مدارا با ایران سبب می شود این کشور از دخالتها و تهدیدهای خود دست بردارد، که این باور عملا نادرست از آب درآمد و عکس آن اتفاق افتاد، یعنی ایران در سایه چتر برجام توانست نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد و برای حضور امریکا در منطقه چالشهای جدی خلق کرد. همچنین این واقعیت نیز ثابت شده است که راهبرد فشار حداکثری که کابینه ترامپ در مورد ایران در پیش گرفت، رژیم ایران را در یک وضعیت مصیبت باری قرار داده است که با کاهش گزینه ها و قدرت چانه زنی این کشور، دستیابی به یک توافق جدید را ممکن کرده است. مشاورین بایدن بر این باورند که زمینه برای استفاده از ارث ترامپ کاملا مساعد است. مخصوصا که بعد از اینکه ترامپ کاخ سفید را ترک کند، این احتمال هم وجود دارد که کشورهای اروپایی در دور تازه تحریمها و فشارها علیه ایران، با امریکا همراه شوند. و اگر تنش های فعلی امریکا با روسیه و چین در دولت بایدن حل و فصل شود، ایالات متحده می تواند فشارها را با قدرت بیشتری علیه ایران اعمال کند. مضاف بر اینکه قدرت های منطقه ای هم پیمان ایالات متحده نیز از این روند حمایت می کنند. عامل دیگری که احتمال این گزینه را تقویت می کند، سرسختی طرف ایرانی در تعامل با راه حلهای کابینه بایدن است. پافشاری بر اینکه مسأله موشکی یک مسأله داخلی و غیر قابل مذاکره است، و همچنین اصرار بر دخالت های تهدیدآمیز در منطقه و ادامه راهبرد مقابله و تلاش برای دورزدن تحریمها و وقت کشی، از جمله رفتارهای ایرانیهاست که احتمال روی دست گرفتن گزینه اول را تقویت می کند.

تلاش برای دستیابی به یک توافق جدید با چالشها و پیچیدگیهایی روبرو است. زیرا ایران از سوی دولت ترامپ عملا تحت فشار حداکثری قرار گرفته است اما حاضر نشده است که برای دستیابی به توافق جدید وارد گفتگو شود. و اگر دولت بایدن همچون ترامپ به فشار حداکثری روی آورد، احتمال دارد که باز هم ایران از خود مقاومت نشان دهد. مسأله به اینجا ختم نمی شود بلکه اصرار ایران بر مقابله و استفاده از پرونده هسته ای به عنوان کارت چانه زنی و تنگ تر کردن عرصه بر گزینه های دولت بایدن، وضعیت را پیچیده تر خواهد کرد. باور

امریکاییها این است که در خصوص پرونده هسته ای، زمان به نفع ایرانیهاست. و اگر احتمال به کارگیری گزینه نظامی از سوی امریکا برای تحمیل خواسته هایش بر ایران منتفی باشد، تلاش برای دستیابی به یک توافق جدید مسأله ای پیچیده و سخت خواهد بود.

یکی از چالشهای پیش رو، دیدگاه و موضع ایران نسبت به روند مذاکرات هسته ای است. با اینکه یک جریان که رئیس جمهور روحانی و وزیر امور خارجه، ظریف از آن نمایندگی می کنند بر این نظر است که در مذاکرات احتمالی بر اساس اصل بُرد- بُرد می شود تعدیلاتی در توافقنامه گنجانده شود به گونه ای که دو طرف دستاوردهایی داشته باشند، اما جریان اصولگرا که رهبر و سپاه پاسداران از آن نمایندگی می کنند و عملا زمام امور مملکت را در اختیار دارند به هرگونه بازگشت مشروط امریکا به برجام روی خوش نشان نمی دهند. و بر این باورند که هرگونه بازگشت به برجام باید به صورت خودکار و بدون شرط و تعدیل صورت گیرد. و اینگونه است که بین موضع دو طرف امریکا و ایران در این خصوص شکاف و فاصله وجود دارد. علاوه بر آن، ایالات متحده در این راستا با یک مشکل بین المللی دیگری نیز مواجه است و آن اینکه برخی قدرت های بین المللی همچون چین و روسیه می خواهند که امریکا به رفتار یک جانبه گرای خود در این پرونده پایان دهد. و این خواسته در مورد دیگر مسائل بین المللی دیگر نیز مطرح می شود مخصوصا که بایدن تلاش دارد جایگاه ایالات متحده را در سطح بین الملل احیاء کند.

همچنین اگر برای دستیابی به یک توافقنامه همه جانبه فشار بیشتری بر ایران تحمیل شود، ممکن است ایران نیز از خود سرسختی نشان داده و به سیاست مقابله و وخیم تر کردن اوضاع در تمام حوزه ها روی آورد. و شاید بتوان گفت که تجربه 40 ساله نشان داده است که این رژیم در مقابل سخت ترین فشارها نیز از خود سرسختی نشان می دهد و سیاست فشار با این رژیم نه تنها جواب نداده است بلکه برعکس، بر فعالیت های ستیزه جویانه اش افزوده است. در نهایت، اگر ایالات متحده به فکر دستیابی به یک راه حل همه جانبه است، چاره ای جز این نیست که به جای اعمال فشارهای بیشتر، مسأله تغییر رژیم را در اولویت قرار داد.

ب_ پیشبرد راه حل دیپلماسی چند روندی و چند جانبه

یعنی رسیدن به یک راه حل میانه که هر دو طرف برای حل اختلافات مقداری از سطح توقعات خود بکاهند. مضمون راهکار بایدن این است که می خواهد هرچه زود تر به صورت اساسی به برجام که با کاهش تعهدات ایران در قبال آن، به فوریت آن افزوده شده، رسیدگی شود و در عین حال دو پرونده موشک های بالستیک و دخالت های منطقه ای ایران نیز مورد غفلت قرار نگیرد. شاید در عمل اینگونه شود که ابتدا چارچوب روند مذاکرات همه جانبه مورد توافق قرار گیرد که بر اساس آن درباره برجام – از لحاظ فنی – به عنوان یک توافقنامه هسته ای میان ایران و ایالات متحده مذاکره و گفتگو صورت گیرد. در کنار آن با مشارکت طرفهای تازه منطقه ای و بین المللی در این مذاکرات، مسأله موشک های بالستیک و دخالت های منطقه ای نیز مورد بحث قرار گیرد. و شاید بایدن با ایران به یک توافق جدیدی برسد که در مقابل چشم

پوشـی از بخشـی از برنامه های موشکی و دخالت های منطقه ای ایران، محدودیت بیشتری بر فعالیت های هسـته ای ایران وضع کند. به هرحال، این گزینه ای اسـت که دیپلماسـی نقش بسـیار مهم و پر رنگی در آن بازی می کند و لازم اسـت که اعتماد سـازی صورت گیرد و همه طرفها اهمیت این مذاکرات چند روندی و چند جانبه را درک کنند.

بـا در پیـش گرفتن این گزینه، هر دو طرف می پذیرند که بازگشـت به شـرایط قبل از 5 می 2018 میلادی کاری سـخت اسـت و می دانند که دسـتیابی به تمام خواسـته ها امری به دور از واقعیت است. مضاف بر اینکه این روش چند روندی و چند جانبه که تمامی تهدیدهای ایران را حل و فصل می کند، در سطح بین الملل و منطقه مورد قبول و رضایتمندی قرار خواهد گرفت. زیرا شـکلی از توافق است که هر دو طرف در کنار پافشاری بر خواسـته هایشان از خود نرمش و مـدارا به خرج مـی دهند. و همه طرفها با یک دید مثبت با آن برخورد می کنند. البته این نکته را هـم نبایـد از یاد برد که فشـارهای حداکثری ترامپ یکـی از ابزارهای مهم چانـه زنی بایدن به حساب می آید.

آنتونی بلینکن وزیر امورخارجه در تیم انتقالی بایدن می گوید که ترامپ خوب کار کرده است و سرمایه خوبی برای ما به جا گذاشته است. ضمن اینکه اوضاع در ایران به شدت بحرانی شده است و این احتمال وجود دارد که رژیم نتواند برای مدت بیشتری در مقابل فشارهای امریکا تاب بیـاورد. و نیـاز دارد که با امریکا وارد تعامل شـده برای برون رفت از بحـران کنونی گفتگوهای تازه ای را آغاز کند و از آنجا که حفظ رژیم از مهمترین اولویت های ایران است، حتی اگر در این گفتگوها امتیازاتی هم بدهد، هم در داخل و هم در سطح بین الملل به عنوان پیروز مذاکرات شـناخته می شود. تأثیر بایدن بر شـرکای برجام از تأثیر ترامپ بیشتر است. بنابراین می تواند فشـارهای بیشـتری بر ایران وارد کند و موافقت جامعه جهانی و مخصوصا موافقت و همراهی طرفهای اروپایی را که در مورد مسـأله موشـک های بالسـتیک و دخالت های منطقه ای ایران با ایالات متحده اشـتراک نظر دارند، را کسـب نماید. این وضعیت ایـران در مقابل یک جبهه متحد قرار می دهد. بی تردید تغییراتی که منطقه شـاهد آن اسـت مخصوصـا توافق ابراهیمی و تغییرات احتمالی در سیاسـت های منطقه ای ایران را وادار می کند که به جای درگیری و دشمنی که ممکن است به بهای عمر رژیم ایران تمام شود، خط و مشی واضح رقابت با قدرت های منطقه را در پیش گیرد.

اما در واقع این گزینه نیز با چالشـهایی روبروسـت و مهمترین این چالشها این است که ایران مسـأله موشـکهای بالستیک را یک مسـأله داخلی و غیر قابل مذاکره می داند. و در مورد نقش منطقه ای اش هم بر این باور است که این مسأله باید در چارچوب منطقه ای و بدون دخالت قـدرت های بزرگ دنیا حل و فصل شـود. جریان اصولگـرا به بهانه این که بـه امریکا نمی توان اعتماد کرد، بازگشـت به مذاکرات را قبول ندارد و بر این باور اسـت که مشکلات اقتصادی کشور باید با صبر و استقامت و در پیش گرفتن اقتصاد مقاومتی که موضع رهبری است، حل گردد. مخصوصا اینکه اظهارات بایدن و مشاورانش بیم و تردید ایرانیان را افزایش داده است

که دولت جدید امریکا نمی خواهد در مقابل از سرگیری مذاکرات هسته ای، تحریمها را به یک باره لغو کند و در نتیجه از سرگیری مذاکرات صرفا به منزله آغاز روند امتیازدهی از جانب ایران خواهد بود. همچنین این نکته را هم نباید از خاطر دور داشت که علی خامنه ای رهبر ایران تا کنون درباره از سرگیری تعاملات سیاسی با دولت بایدن اظهار نظری نکرده است. اما بارها این موضع خود را اعلام کرده است که از سرگیری مذاکرات منوط به برداشتن همه تحریمها خواهد بود و گفتگوها فقط در چارچوب گروه 5+1 که برجام را با ایران امضا کرده اند صورت خواهد گرفت و گفتگوهای دو جانبه میان ایران و امریکا در کار نخواهد بود.

یکی دیگر از چالشهایی که این گزینه با آن روبرو هست، موضع برخی از قدرت های منطقه است که خواهان ایجاد تعدیلاتی در برجام هستند به گونه ای که قدرت هسته ای ایران در آینده کنترل شود. و خواست دیگر قدرت های منطقه این است که ایالات متحده باب مذاکره با ایران را باز نکند مگر اینکه به دخالت های منطقه ای ایران پایان دهد و مانع از آن شود که ایران و بازوهای نظامی اش موشک و سلاحهای پیشرفته ای که امنیت و ثبات منطقه را به مخاطره می اندازد، در اختیار داشته باشد.

سوم: کابینه بایدن کدام گزینه را در پیش خواهد گرفت؟

به احتمال زیاد، بایدن بر دیپلماسی به عنوان راه حل اساسی تکیه خواهد کرد که طبق این روش، ابتدا و برای اعتماد سازی، هر دو طرف در مورد مسأله هسته ای امتیازاتی به طرف مقابل می دهند که احتمالا این امتیازدهی را ایالات متحده با کاهش تحریمها آغاز خواهد کرد و در مقابل تهران نیز تعهدات کامل خود به بندهای برجام را رعایت خواهد کرد و این ترتیبات با هماهنگی کامل طرفهای اروپایی و شاید روسیه و چین صورت خواهد گرفت تا نقطه آغازی برای گفتگوهایی که زمینه مذاکرات اصلی یعنی برجام و مذاکرات درباره تحکیم و تمدید آن و همچنین مذاکرات درباره مسائل ثانوی یعنی برنامه های موشکی و دخالت های منطقه ای ایران باشد. بی تردید در این روند هر طرف اصولی دارد که نمی تواند به کلی از آن عقب نشینی کند و هر طرف پشتوانه هایی برای چانه زنی دارد و تلاش می کند تا از راه به کارگیری این کارت های چانه زنی در جریان مذاکرات دستاوردهای بیشتری را نصیب خود کند.

مسأله اصلی که برای ایالات متحده اولویت دارد و نمی تواند از آن چشم پوشی کند، دستیابی به یک توافق هسته ای پایدار و کارا با ایران است. اما برنامه موشک های بالستیک و دخالت های منطقه ای ایران مسائلی است که هرچند ایالات متحده نسبت به آن انعطاف پذیرتر است اما نسبت به قبل بسیار فوری و ضروری تر شده است. کابینه بایدن درباره ایران گزینه های زیادی جز مذاکره روی میز دارد اما گزینه مذاکره و گفتگو نسبت به سایر گزینه ها از شانس و قدرت بیشتری برخوردار است. دولت بایدن راهبرد کارای فشار حداکثری بر ایران را از دولت قبلی به ارث برده است و به راحتی می تواند همین برنامه تحریمهای فعلی را ادامه دهد. دولت بایدن در مقایسه با دولت قبلی بهتر می تواند به یک اجماع بین المللی علیه ایران دست

یابد و قدرت های منطقه ای هم در کنار ایالات متحده هستند و آمادگی دارند هزینه سنگینی بر ایران تحمیل کنند بدون اینکه ایالات متحده هزینه ای متحمل شود.

هدف غایی ایران حفاظت از رژیم است. بنابراین در مورد مذاکرات برجام مدارا و نرمش به خرج می دهد و علی رغم اینکه برخی مسئولین رژیم تعدیل برجام را محال می دانند اما این امکان هم وجود دارد که ایران در این مورد نیز از خود مدارا به خرج دهد. و اینجاست که مذاکرات نتایج مثبت در پی خواهد داشت. اما اگر ایران در مسائل دیگر دستاوردهای عینی کسب نکند، محال است که در این حوزه امتیازاتی به طرف مقابل بدهد. اما موشک های بالستیک، مسأله ای است که ایران تنها در چارچوب توافقنامه 2231 که در سال 2015 میلادی به دست آمد، حاضر به گفتگو درباره آن خواهد شد. مسأله نفوذ منطقه ای ایران، مسأله ای است که به نظر می رسد می توان پیرامون آن مانور داد. و طرح این مسأله در گفتگوهای دیپلماتیک چند جانبه امکان پذیر است. اما آنچه مسلم است این واقعیت است که موقعیت ایران در مذاکرات ضعیف است و گزینه های این کشور برای چانه زنی و فشار نیز محدود است. ایران در شرایط اقتصادی کنونی فرصت چندانی در اختیار ندارد و برداشتن تحریمها از نیازهای مبرم این کشور است. دامن زدن به بحران هسته ای برای ایران ریسک بالایی دارد تا جاییکه ممکن است به بهای عمر این رژیم تمام شود.

نتیجه گیری

در پایان می توان گفت که دور تازه مذاکرات احتمالی در اوایل سال 2021 میلادی آغاز خواهد شد که با روند مذاکرات دولت اوباما و با رویکرد ترامپ متفاوت خواهد بود. بلکه در این مذاکرات پی در پی برای حل مسائل اختلافی، از دیپلماسی چند جانبه کمک گرفته می شود. و خواست کشورهای منطقه هم این است که دخالت های منطقه ای و تهدیدهای ایران به عنوان یک مسأله اساسی در مذاکرات باید مطرح شود. و طرح اینگونه مسائل به مذاکرات و گفتگوهای آینده موکول نشود که بار دیگر ایران با استفاده از فرصت هایی که توافقنامه در اختیار وی قرار می دهد، با دخالتهای خود منطقه را به درگیری و جنگ بی پایان سوق دهد.

info@rasanahiiis.com

@rasanahiiis

www.rasanah-iiis.org